



The Nature of Thematic Contemplation in the Qur'an

Ali Reza Lakzaei¹

Abolghasem Asi Mozneb²

Mohammad Reza Shayeq³

Received: 23/10/2020

Accepted: 03/02/2021

Abstract

Contemplation, interpretation, and commentary are some of the most important ways to understand the Qur'an. There is a public, private, and special relationship between these three words - in terms of the people's duty to the Qur'an. The public has access to the precious facts in the Qur'an through contemplation. Interpreters contemplate at a higher level using specialized tools. Contemplation in the field of interpretation of a part of the Holy Qur'an - the truth and the essence of the divine word - is the prerogative of the Fourteen Infallibles. Thematic contemplation is a new method in the methods of understanding the Qur'an. Through using this technique, by referring directly to the divine book, one can extract the Qur'anic view on various issues and topics of life and revelatory teachings. In the interpreters' studies, this skill has been used along with thematic interpretation - without mentioning the title of thematic contemplation - and during it. Sequential contemplation is an introduction and a prerequisite for thematic contemplation.

Keywords

The Qur'an, thematic contemplation, sequential contemplation, thematic interpretation, commentary.

1 . PhD student in Qur'an and Hadith Sciences, Yazd Azad University, Yazd, Iran (Author in charge).
a_lakzaee@yahoo.com

2 . Assistant Professor of Yazd Islamic Azad University, Yazd, Iran. Mozneb1@iauyazd.ac.ir

3 . Assistant Professor, Yazd University, Yazd, Iran. shayegh.mr@gmail.com

*Lakzaei, A., & Asi Mozneb, A., & Shayeq, M. R. (2021). The nature of thematic contemplation in the Qur'an. Quarterly Journal of Studies of Qur'anic Sciences, 2(6), pp. 106-136.

Doi: 10.22081/jqss.2021.59144.1082

ماهیت تدبر موضوعی در قرآن

علی‌رضا لکزایی^۱ ابوالقاسم عاصی مذنب^۲ محمدرضا شایق^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

چکیده

تدبر، تفسیر و تأویل از مهم‌ترین راه‌های فهم قرآن است. بین این سه واژه - از نظر وظیفه مردم در برابر قرآن - رابطه عموم و خصوص و اخص برقرار است. عموم مردم از طریق تدبر، به گهرهای موجود در قرآن دسترسی پیدا می‌کنند. مفسران با بهره گرفتن از ابزارهای تخصصی در سطحی بالاتر تدبر می‌کنند. تدبر در عرصه تأویل بخشی از قرآن کریم - حقیقت و باطن کلام الهی - در انحصار معصومان علیهم‌السلام است. تدبر موضوعی شیوه‌ای نو در روش‌های فهم قرآن به‌شمار می‌رود. با بهره‌گیری از این فن می‌توان با مراجعه مستقیم به کتاب الهی، دیدگاه قرآن را درباره مسائل و موضوعات مختلف زندگی و معارف و حیاتی استخراج کرد. در تحقیقات مفسران، این مهارت همراه با تفسیر موضوعی - بدون ذکر عنوان تدبر موضوعی - و در خلال آن کاربرد داشته است. تدبر ترتیبی مقدمه و پیش‌نیاز تدبر موضوعی به‌شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها

قرآن، تدبر موضوعی، تدبر ترتیبی، تفسیر موضوعی، تأویل.

۱. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران (نویسنده مسؤل).

a_lakzaee@yahoo.com

Mozneb1@iauyazd.ac.ir

shayegh.mr@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی یزد

۳. استادیار دانشگاه یزد.

* لکزایی، علیرضا؛ عاصی مذنب؛ ابوالقاسم، شایق، محمدرضا. (۱۳۹۹). ماهیت تدبر موضوعی در قرآن. فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات علوم قرآن، ۲(۶)، صص ۱۰۶-۱۳۶.

Doi: 10.22081/jqss.2021.59144.1082

مقدمه و بیان مسئله

شیوهٔ چینش آیات و سوره‌های قرآن کریم به نحوی است که برای یافتن دیدگاه قرآن درباره هر موضوع، می‌بایست نگرشی جامع و هماهنگ به آیات پیرامون آن موضوع داشت. عدم رعایت این مهم موجب بروز تصور اختلاف و ناهماهنگی در قرآن می‌شود. دشمنان اسلام و مخالفان تشیع با استناد به یک یا دو آیه و عدم ارائهٔ عمده‌ی سایر آیات، به صورت گسترده‌ای به طرح شبهه پرداخته و با این ترفند درصدد تضعیف باورها و اعتقادات دینی و مذهبی مردم برآمده‌اند. راه خنثی سازی حملات دشمن در این جبهه، معرفی و ترویج راهکار صحیح تدبر موضوعی در قرآن است. لذا تدبر موضوعی علمی است که به کشف نظر قرآن می‌پردازد و از طریق آن می‌توان به پرسش‌ها و شبهات مختلف پاسخ داد. همچنین تدبر موضوعی راهی برای دستیابی به ذخایر بی‌کران و گنجینه‌های نهفته در آیات قرآن است. از دیگر برکات اشاعهٔ روش تدبر موضوعی، زدوده شدن زنگارهای شک و تردید و تقویت ایمان افراد جامعه می‌باشد. «تدبر موضوعی» اصطلاحی نوپدید است، به دلیل اشتراک حوزهٔ عملکردی تفسیر موضوعی و تدبر موضوعی، مرز بین این دو فنّ به درستی تفکیک نشده است؛ ولی مفسران و محققان قرآنی بدون این که آشکارا به تدبر موضوعی تصریح نمایند، تحت عنوان کلی «تفسیر موضوعی» آن را به کار می‌بسته و از ثمرات آن بهره‌مند می‌شده‌اند. تدبر در قرآن کریم در سه سطح تدبر عمومی، تفسیر و تأویل انجام می‌شود. با توجه به ذموراتب‌بودن معارف کلام الهی، ضروریست حیطة وظایف هر صنف از مردم در استنباط از قرآن به درستی تبیین گردد. در این مقاله، سعی نگارنده بر آن است که با تبیین رابطه و مرز میان تدبر، تفسیر و تأویل، حیطة و محدودهٔ وظایف اقشار مختلف در برداشت از قرآن را مشخص نماید.

۱. پیشینه تحقیق و تدبر موضوعی

پیرامون تفسیر موضوعی تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است؛ اما تدبر موضوعی مقوله‌ای نوظهور می‌باشد. لذا در مورد ماهیت و روش‌شناسی تدبر موضوعی

پژوهش‌های اندکی عرضه شده است. شیخ علی آل موسی در کتابی حجیم با عنوان *التدبر الموضوعی فی القرآن الکریم* به تفصیل پیرامون این موضوع تحقیق کرده است. وی بین تدبر موضوعی و تفسیر موضوعی تفاوتی قایل نشده و این دو اصطلاح را معادل یکدیگر به کار برده است. از نظر وی، تدبر موضوعی علمی است روشمند و دارای گام‌ها و مراحل است که از طریق آن می‌توان با گردآوری آیات هم‌مضمون به کشف موضع‌گیری قرآن در هر زمینه پرداخت. همچنین مرادی زنجانی و لسانی فشارکی در کتاب *روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم*، تفاوت‌های تدبر موضوعی با تفسیر موضوعی را برشمرده و انجام آن توسط عموم مردم را امری ممکن ذکر نموده‌اند. در این شیوه بر انتخاب کلیدواژه برای جست‌وجوی آیات مرتبط با موضوع، تأکید خاصی شده است. از نظر این محققان، تدبر موضوعی طی چهار مرحله مقدماتی، مفهوم‌یابی، گسترش یا فشرده کردن، تدوین و تألیف صورت می‌پذیرد. الهی‌زاده نیز در این زمینه تحقیق کرده و در کتاب «درسنامه تدبر موضوعی قرآن»، به صورت ویژه به تدبر موضوعی پرداخته است. علاوه بر آن، مبادی، مبانی و روش تدبری خویش را به تفصیل شرح داده و در پایان نمونه‌ای از تدبر موضوعی حول موضوع شفاعت را ارائه نموده است.

۲. تعریف تدبر در قرآن

اهتمام و دقت مفسران، برای فهم دقیق معانی کلمات و اصطلاحات قرآنی بر کسی پوشیده نیست؛ بنابراین، معنایی که برای واژه‌ها و اصطلاحات قرآنی ارائه می‌نمایند دارای اعتبار ویژه‌ای است که می‌توان به آن اعتماد نمود. براین اساس، برای یافتن معنای اصطلاحی واژه «تدبر» به بررسی دیدگاه‌های مفسران در این زمینه می‌پردازیم:

❖ تفکر در معانی آیات (کتاب‌داری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۰؛ اسفراینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۱۳؛ حسینی

شیرازی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۰۲).

❖ تأمل در معانی آیات (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۷۳).

❖ تفکر و تأمل در معانی آیات و با دقت نگریستن در آن چه در آن است (زمخشری،

۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۰؛ طوسی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۷۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۸۶).

❖ نگریستن و فکر کردن در غایات و مقاصدی است که به آن آیات برمی گردد

(حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۰۳).

❖ تأمل در معانی آیات و تفکر در حکمت‌ها و تیزبینی در آن چه از نشانه‌ها در آن

است (بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۰۲).

❖ تفسیر قرآن با قرآن (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۰۹).

❖ تفسیر و تطبیق آیات با یکدیگر توأم با حرکت فکری (آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۴).

❖ تأمل در آیه پس از آیه دیگر، یا به معنای تأمل بعد از تأمل در آیه است (طباطبایی،

۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۹).

❖ به کار بستن عمیق عقل در قرآن برای دریافت هدایت الهی و استخراج افکار و

شکل دهی به موضع گیری‌ها (آلموسی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۳).

از مجموع تعریف‌های ارائه شده چنین استنباط می‌شود که: تدبیر یعنی تفکر و

تأمل در فرجام امور و پی گرفتن کارهاست، و تدبیر در قرآن عبارت است از نگریستن با

تیزبینی و با دقت فکر کردن در معانی آیات، هم چنین توجه کردن و پی گیری نمودن

غایات و مقاصدی که آیات به آن متوجه است.

از نظر نگارنده، «تدبیر کارآمد در قرآن یک فرآیند است که از تلاوت آیات

آغاز می‌شود و با تفکر عمیق و ژرف اندیشی در معنای واژه‌ها، آیات و پیام‌های آنها و

توجه به غایات و مقاصدی که آیات به آنها متوجه است ادامه می‌یابد و با تعهد و التزام

قلبی و عمل به مضامین آنها ختم می‌گردد» (لک‌زایی، ۱۳۹۱، ص ۱۵). اجزای این فرآیند

عبارت است از:

❖ تلاوت آیات؛

❖ تلاش فکری جهت فهم معنا و مقصود مفردات، آیات، سوره، و کل قرآن؛

❖ تعهد و التزام قلبی نسبت به پیام‌های قرآن؛

❖ پی گیری عملی نتایج حاصله.

۳. مراتب تدبر در قرآن

با اندیشه و تأمل در فرمایشات معصومان علیهم السلام چنین دریافت می‌شود که ایشان به نوعی تقسیم‌بندی در کلام الهی قایل هستند و بر مبنای آن، میزان بهره‌مندی افراد از کلام خداوند نیز متفاوت خواهد بود.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ بِسَعَةِ رَحْمَتِهِ وَ رَأْفَتِهِ بِخَلْقِهِ وَ عِلْمِهِ بِمَا يَخْدِيئُهُ الْمُتَبَدِّلُونَ مِنْ تَغْيِيرِ كَلَامِهِ فَسَمَّ كَلَامَهُ ثَلَاثَةً ثَلَاثَةً أَقْسَامٍ فَجَعَلَ قِسْمًا مِنْهُ يَعْرِفُهُ الْعَالِمُ وَ الْجَاهِلُ وَ قِسْمًا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا مَنْ صَفَا ذَهْنُهُ وَ لَطَفَ حِسُّهُ وَ صَحَّ تَمْيِيزُهُ مِمَّنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ - وَ قِسْمًا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِئَلَّا يَدَّعِيَ أَهْلُ الْبَاطِلِ الْمُسْتَوَلِينَ عَلَى مِيرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ عِلْمِ الْكِتَابِ - مَا لَمْ يَجْعَلْهُ اللَّهُ لَهُمْ وَ لِيُفَوِّدَهُمُ الْإِضْطِرَارُ إِلَى الْإِثْتِمَامِ بِمَنْ وُلِيَ أَمْرَهُمْ؛ خداوند متعال، از آنجا که دارای رحمت گسترده و مهربانی به خلق است و می‌دانسته که در طول زمان دست‌های تحریف‌گر درصدد تغییر کلام او برمی‌آیند، کلام خویش را به سه دسته تقسیم کرده است: بخشی از معارف قرآن را به گونه‌ای قرار داده که عالم و عامی آن را می‌فهمند. قسمتی دیگر را به گونه‌ای بیان کرده که جز ذهن‌های صاف و احساس‌های لطیف و نکته‌سنجانی که خداوند سینه‌های آنان را برای فهم اسلام فراخ کرده است، آن را در نمی‌یابند. بخشی دیگر از معارف قرآن به گونه‌ای است که آن را جز خداوند، فرشتگان و راسخان در علم نمی‌فهمند. این کار را برای آن کرده است که اهل باطل به میراث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست نیابند، تا از راه علم به کتاب، آنچه را که خداوند برای آنان قرار نداده ادعا نکنند و اضطرار، آنان را به مشورت با ولی امرشان وادار کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۴۵).

امام صادق علیه السلام این تقسیم‌بندی کلام الهی را به صورتی جزئی‌تر بیان کرده است. آن حضرت می‌فرماید: «كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْعِبَارَةِ وَ الْإِشَارَةِ وَ اللَّطَائِفِ وَ الْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَ الْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَ اللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَ الْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ؛ کتاب خدای عز و جل دارای چهار چیز است: عبارت ظاهر، و اشاره، و لطایف، و حقایق؛ پس عبارت ظاهر برای عوام است و اشارت برای خواص و لطایف برای اولیا و حقایق برای انبیا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۱۰۳).

بر اساس این روایت قرآن چهار مرتبه فهم و تدبر را داراست:

۱. مرتبه «عبارات قرآن» که برای توده‌های مردمی از هر قشر و طبقه‌ای می‌باشد.
۲. مرتبه «اشارات قرآن» که برای خواص مردم از مجتهدان و مفسران قرآن می‌باشد.
۳. مرتبه «لطائف قرآن» و نکته‌سنجی‌های دقیق و عمیق آن که مختص شاگردان معصومین علیهم‌السلام، علمای ربانی، و اولیای الهی همچون «ابوذر و سلمان» در صدر اسلام و «مرحوم علامه طباطبائی و حضرت امام خمینی» در عصر حاضر می‌باشند.
۴. مرتبه حقایق و جان‌بی‌پرده قرآن که مختص معصومین علیهم‌السلام اعم از انبیاء و چهارده معصوم علیهم‌السلام می‌باشد (نقی پورفر، ۱۳۷۴، صص ۴۸۴-۴۸۵).

به‌طور قطع، بخشی از ظاهر قرآن در معرض فهم همگان است و فهم بخشی از باطن قرآن در انحصار خداوند و انبیا و خاصان مرتبط با مکتب وحی است و در این میان مرزی وجود دارد که عوام از درک آن بی‌بهره‌اند، بلکه آگاهان، تیزبینان و اهل دقت و معنویت می‌توانند بدان دست یابند؛ هرچند ایشان در مرتبه انبیا و پیوستگان با وحی قرار نداشته باشند که شاید بتوان گفت، لایه‌هایی از بطون قرآن هستند (علوی‌نژاد، ۱۳۸۵).

بنابر این میزان فهم هر کس از قرآن کریم هم به مراتب درک شخصی و هم به مقدار علم و آگاهی و اطلاعات فردی او بستگی دارد و هم در کنار این موارد، به عامل مهم دیگری بستگی دارد که فراتر از شعاع درک و دانش انسان‌های معمولی و ویژه خاصان درگاه الهی است.

۴. ارتباط تدبر در قرآن، با تفکر، تفسیر و تأویل

فهم قرآن در سه چیز خلاصه می‌شود: ۱. ظهور لفظی، که عرب فصیح آن را می‌فهمد؛ ۲. حکم عقل فطری؛ ۳. آنچه از معصومین علیهم‌السلام در تفسیر آن آمده است (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۲۹). تدبر معبری است برای فهم قرآن کریم. انسان حق جو و حق‌گرا با هر تأمل و تفکر و تدبر در آیه یا مجموعه‌ای از آیات هم مضمون، نکته و پیامی دریافت می‌نماید. در این عرصه، عالمان و اندیشمندان اسلامی به منظور فهم صحیح آیات قرآن از علم تفسیر نیز بهره‌جسته و در حد توان و ظرفیت خویش، گوهرهایی صید نموده‌اند، اما از

تأویل و درک باطن برخی آیات عاجز مانده اند؛ زیرا تنها راه دستیابی به این مرتبه از فهم قرآن، تمسک به معصومان علیهم السلام است. با توجه به موارد فوق، تبیین ارتباط میان تدبیر با اصطلاحات تفکر، تفسیر و تأویل ضرورت پیدا می‌کند. لازمه تحقق این مهم، بیان تعریف دقیق مفهوم هریک از واژه‌های مذکور می‌باشد. لازم به ذکر است در مباحث این بخش، واژه تدبیر به صورت مطلق به کار رفته و تدبیر ترتیبی و موضوعی را توأمان شامل می‌شود.

۴-۱. تفکر

کلمه «تَفَكَّرٌ» باب تفاعل از ریشه «فکر» می‌باشد. پنج کلمه از این ریشه در قرآن کریم به کار رفته، که با احتساب تکرار آنها ۱۸ کلمه قرآن را تشکیل می‌دهد. لغت‌دانان برای این واژه، معانی مختلفی ذکر کرده‌اند، از جمله:

- ❖ «تدبر» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۹۹).
- ❖ «کوشش و جولان نیرویی پویا و پیاپی که آدمی را از علم به معلوم می‌رساند و به آن می‌پردازد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۳).
- ❖ «رجوع پیاپی قلب با اندیشه برای به دست آوردن معانی» (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۷۹).
- ❖ «تصرف قلب و تأمل در آن با نگرستن به مقدمات و دلایلی که به وسیله آن به مطلوب مجهول هدایت می‌کند» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۲۶).

۴-۲. رابطه تدبیر در قرآن با تفکر

همچنان که گذشت، بسیاری از محققان واژه‌های تدبیر و تفکر را مترادف یکدیگر در نظر می‌گیرند به حدی که در بیان مقصود خود تفکر را به تدبیر - یا به عکس - عطف می‌نمایند. مطلب مشترکی که اکثریت قریب به اتفاق لغت‌دانان و مفسران در تعریف تدبیر ارائه کرده‌اند این است که: «تدبیر، تفکر و تأمل در فرجام امور و عواقب آن هاست. تدبیر در قرآن یک فرآیند است که از تلاوت آیات آغاز می‌شود و با تفکر عمیق و ژرف اندیشی در معنا و پیام‌های آن و توجه به غایات و مقاصدی که آیات به آنها

متوجه است، ادامه می‌یابد و با تعهد و التزام قلبی و عمل به مضامین آنها ختم می‌گردد» (لکنزایی، ۱۳۹۱، ص ۱۵). فرق بین تفکر و تدبر این است که «تدبر تصرف قلب است با نگرستن در عواقب، و تفکر تصرف قلب است با نگرستن در دلایل» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۹۹؛ عسکری، ۱۴۰۰، ص ۶۷).

تحلیل و بررسی مطالب فوق این پیام را می‌رساند که تدبر و تفکر، هر دو عمل قلب است و تدبر در قرآن از طریق تفکر در آیات آن ممکن است؛ به عبارت دیگر، تفکر و فعالیت فکری، یکی از ابزارها و مؤلفه‌های اصلی تدبر در قرآن است.

۳-۴. تعریف تفسیر قرآن

❖ «تفسیر را برخی همان سفر» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۵۵) و برخی «مبالغه معنای فسر دانسته اند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۳۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۳۸).

❖ برخی «فسر را اشتقاق کبیر و مقلوب سفر» می‌دانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۳۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۳۸؛ زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۴۷) و دلیل آنان این است که «معنای اصلی سفر کشف است» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۵۵) و «بر آشکارشدن دلالت دارد» (احمد بن فارس، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۵۰۴).

❖ برای فسر و تفسیر در مورد قرآن در کتب لغت چنین گفته‌اند: «کشف مراد از لفظ مشکل» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۵۵)، «کشف معنای الفاظ و اظهار آن» (طریحی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۴۳۸؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۷۹)، «شرح قصص مجمل قرآن» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۳۲۳).

در قرآن کریم، این کلمه تنها در یک مورد در آیه ۳۳ سوره فرقان به کار رفته است که به معنای شرح و تفصیل است: (وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا؛ کافران برای تو هیچ مثل باطل (ایراد و اشکال) را نیاورند، مگر آنکه ما در مقابل برای تو سخن حق را و با بهترین تفسیر و توضیح بیاوریم).

تفسیر در اصطلاح مفسران عبارت است از زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار، که در انتقال معنای مورد نظر، نارسا و دچار اشکال است ... بنابراین، تفسیر در جایی است

که گونه‌ای ابهام در لفظ وجود دارد که موجب ابهام در معنا و دلالت کلام می‌شود و برای زدودن ابهام و نارسایی، کوشش فراوانی می‌طلبید (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۱۸۱۷). این اصطلاح کاربرد عام دارد و مخصوص قرآن نیست و حتی در روایات هم برای غیر قرآن به کار رفته است، اما در اثر کثرت استعمال، بیان معنا و مدلول ظاهری آیات کریم و کشف مراد خدای تعالی از آن، به ذهن متبادر می‌شود و در عرف دانشمندان، بلکه جمیع مسلمانان در همین معنا به کار رفته است.

۴-۴. رابطه تدبر در قرآن با تفسیر قرآن

تدبر عموم مردم در محدوده عبارات قرآن مجید است و فقط از قرائت جملات و آیات و از مفاهیم لغوی و ترجمه آنها بهره‌مند می‌شوند و احیاناً با مطالعه تفسیر، حقایقی از قرآن را درمی‌یابند. اما دایره افرادی که در مرتبه تفسیر تدبر می‌نمایند بسیار محدودتر است. تدبر در این مرتبه مخصوص کسانی است که مجهز به علوم قرآنی و عالم به علم تفسیر می‌باشند و می‌توانند با تلاش و کوشش علمی خود، در کنار طهارت روحی به اشارات قرآن دست یابند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۷۸). با توجه به فرمایشات معصومان علیهم‌السلام، معارف قرآن کریم دارای مراتبی است که هر کس به میزان تدبر و صفای باطن خود می‌تواند از اقیانوس معارف آن به قدر ظرفیت خویش بهره‌مند گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۷۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۵۳).

بنابر این تفسیر قرآن کریم یکی از مراتب تخصصی تدبر در آن می‌باشد. ضمن این که خداوند وظیفه تدبر در قرآن را بر دوش همه بندگان نهاده اما تفسیر قرآن را از همگان طلب ننموده است.

۴-۵. تعریف تفسیر موضوعی

اندیشمندان و عالمان حوزه تفسیر، برای اصطلاح «تفسیر موضوعی» تعریف‌هایی ارائه نموده‌اند؛ چند نمونه از این تعریف‌ها عبارت است از:

❖ تفسیر موضوعی عبارت است از جمع‌آوری و جمع‌بندی آیات مختلفی که

درباره یک موضوع در سرتاسر قرآن مجید در مناسبت‌های مختلف آمده است به منظور استخراج نظر قرآن درباره ماهیت موضوع و ابعاد گوناگون آن (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۱).

❖ جمع‌آوری روشمند آیات از سراسر قرآن مجید که از موضوع یا موضوعات زندگی، عقیدتی، اجتماعی و جهانی سخن می‌گویند و هدف واحدی دارند؛ با دقت در ترتیب آیات بر حسب نزول و توجه به سیاق و نظم حاکم بر آیات بدون تقطیع آیات با احاطه کامل به تمام آیات قرآنی و تفسیر ترتیبی و در نهایت بیان دیدگاه قرآن در آن موضوعات به اندازه طاقت مفسر در درک آن (یدالله‌پور، ۱۳۸۳، ص ۱۶).

❖ توضیح اجمالی این روش بدین گونه است که پس از گردآوری و تفسیر آیات ناظر به موضوع، از عرضه و سنجش مفاهیم آیات با یکدیگر، آموزه یا نظریه قرآنی آشکار می‌گردد (حکیم، ۱۴۱۷ق، ص ۳۴۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۳۸۱).

❖ تفسیر موضوعی بیان مفاد وازگان و عبارات آیات قرآن کریم و پرده برداشتن از مراد خداوند در موضوعی از موضوعات با بهره‌گیری از مجموعه آیات مرتبط با آن موضوع و براساس روش گفت و گوی عقلایی و ادبیات زبان عربی است (رجبی، ۱۳۸۸، ص ۳۰).

۴-۶. تعریف تدبر موضوعی

با توجه به نوظهور بودن اصطلاح «تدبر موضوعی»، پژوهشگران معدودی به صورت مستقل به این مهم پرداخته‌اند، لذا تعریف‌های اندکی ارائه شده است از جمله:

شیخ علی آل موسی تعریفی که دکتر زید عمر عبدالله برای تفسیر موضوعی بیان کرده را به عنوان تعریف تدبر موضوعی برگزیده است. از نظر دکتر زید عمر عبدالله، «تفسیر موضوعی (تدبر موضوعی) عبارت از علم است، یعنی با کشف موضع‌گیری قرآن از موضوع‌های مختلف، بر پایه آن چه که از آیات به آن مربوط می‌شود، ضمن روشی که دارای زمینه‌ها و گام‌هایی است» (العیص، ۱۴۲۶ق، ص ۲۱). وی ذیل این تعریف

می‌نویسد: آن تعریفی است که اشاره می‌کند به این که تفسیر موضوعی (تدبر موضوعی) "علم" است و براساس "روش" پیش می‌رود و دارای "زمینه‌ها" و "گام‌هایی" است. و جمله "آن چه از آیات به آن مربوط می‌شود" به صورت صریح اشاره کرده که آن موضوعی که آیات سوره به آن ارتباط دارد "کشفی" است، یا اینکه آیاتی از قرآن که به آن مربوط می‌شود، عموماً "تجمیعی" است (آل‌موسی، ۱۴۳۰ق، ص ۱۴۶).

❖ «تدبر موضوعی، تفهّم مجموعیِ روشمندِ یک موضوع در قرآن است» (الهی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۷).

❖ «تحقیق (تدبر) موضوعی، یعنی شناخت جایگاه، معنا، مفهوم و کاربرد دقیق کلمه موضوع مورد نظر در قرآن» (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۳).

۴-۷. ارتباط تدبر موضوعی با تفسیر موضوعی

فهم قرآن دارای مراتب مختلف است؛ برخی از مراتب، وظیفه‌ای همگانی و در توان همه است و برخی تخصصی و به عهده متخصصان است. در این میان، تدبر موضوعی با فراهم شدن مقدمات آن، وظیفه‌ای عمومی و در توان همگان است. برخلاف تفسیر قرآن، تطبیق قرآن و مانند آن که کاری تخصصی است (الهی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۸). یکی از روش‌های فهم قرآن کریم، تحقیق و پژوهش موضوعی است که به دو صورت تفسیر موضوعی و تدبر موضوعی انجام می‌شود. رسالت تفسیر موضوعی و تدبر موضوعی، کشف نظریه قرآن در مورد مسائل و موضوعات مختلفی است که در زندگی بشر مطرح می‌شود. با توجه به عمومی بودن وظیفه تدبر موضوعی و تخصصی بودن تفسیر موضوعی، ضرورت دارد ارتباط این دو فنّ با یکدیگر و محدوده عملکرد هر یک به درستی تبیین گردد تا تدبر کنندگان در قرآن با حیطه وظایف خود آشنا شوند. لازم به یادآوری است در این تحقیق، مقصود از «تدبر»، بیان مفهوم این واژه به صورت مطلق می‌باشد و هر دو قسم تدبر ترتیبی و تدبر موضوعی را شامل می‌شود.

❖ برخی مفسران اصطلاح «تدبر» را «تفسیر قرآن به قرآن» معنا کرده‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۰۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص ۸-۹؛ آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۴).

❖ تفسیر صحیح همان تدبر است: در کنار این فهم از "تفسیر" و ذهنیت قبلی که مفسر باید از آن برخوردار باشد، می‌توانیم تفسیر صحیح را که تکیه بر قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ دارد، و می‌توان آن را "تدبر" نام نهاد، از تفسیر باطل که نام "تفسیر به رأی" بر آن اطلاق می‌شود، متمایز گردانیم (حکیم، ۱۴۱۷ق، ص ۲۴۱).

❖ برخی محققان دو واژه تفسیر و تدبر را به یک معنا به کار برده و به یکدیگر عطف نموده‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۲۶۱؛ شاکر، ۱۳۷۶، ص ۲۳؛ آل موسی، ۱۴۳۰ق، صص ۱۹۵-۱۹۷ و ۲۰۹-۲۱۰).

❖ تفسیر قرآن کریم یکی از مراتب تخصصی تدبر در آن می‌باشد: «تدبر در حد تخصصی با حقیقت تفسیر وحدت دارد لیکن با واقعیت تفسیر^۱ لزوماً همسانی ندارد. بنابراین، تدبر با حقیقت تفسیر رابطه عموم و خصوص مطلق دارد، اما با تفسیر مصطلح رابطه اش عموم و خصوص من وجه می‌باشد که نه هر تدبری، تفسیر مصطلح را در پی دارد و نه هر تفسیر مصطلحی با تدبر همراه است بلکه بعضی از تفاسیر مصطلح، تدبر تخصصی را در ضمن خویش به همراه دارد (نقی پورفر، ۱۳۸۱، ص ۳۷۳).

❖ مراحل و گام‌هایی که برخی محققان برای تدبر موضوعی ارائه نموده‌اند با مراحل و گام‌های تفسیر موضوعی انطباق دارد. برای اثبات مدعای فوق، مراحلی که برای انجام تدبر موضوعی عرضه گردیده است با دو مورد از مراحل انجام تفسیر موضوعی مقایسه می‌شود.

مراحل و گام‌های انجام تدبر موضوعی

- ❖ روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم دکتر لسانی فشارکی و مرادی زنجانی. تدبر موضوعی در این شیوه، طی چهار مرحله کلی صورت می‌پذیرد.
 ۱. مرحله مقدماتی (انتخاب عنوان و کلیدواژه‌های آن)؛

۱. مقصود تفاسیری است که در طول تاریخ اسلام، نوشته یا گفته شده است.

۲. مرحله مفهوم‌یابی؛

۳. مرحله گسترش یا فشرده کردن تحقیق موضوعی؛

۴. مرحله تدوین و تألیف (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۶، صص ۲۱-۱۱۴).

❖ روش تدبر موضوعی محمد حسین الهی زاده:

این روش نیز در چهار مرحله کلی ذیل انجام می‌شود:

۱. گزینش و تبیین موضوع؛

۲. جست و جوی آیات؛

۳. فهم؛

۴. تدوین و نگارش (الهی‌زاده، ۱۳۹۳، صص ۴۴-۱۱۳).

❖ روش تدبر موضوعی شیخ علی آل موسی

مراحل انجام تدبر موضوعی تجمیعی در این شیوه عبارت است از:

۱. یافتن عنوان و اصطلاح قرآنی

۲. گردآوری آیات

۳. تفکیک و ترتیب آیات

۴. بهره گرفتن از روایات

۵. استفاده از تفاسیر

۶. تطبیق خارجی

۷. استخراج دیدگاه قرآن (آل موسی، ۱۴۳۰ق، صص ۲۴۱-۴۳۸).

حال که مراحل انجام تدبر موضوعی از دیدگاه سه محقق ارائه گردید، مراحل انجام تفسیر موضوعی نیز ارائه می‌شود تا با مقایسه گام‌های هر شیوه با یکدیگر، وجوه تشابه و تمایز دو روش مشخص گردد.

مراحل انجام تفسیر موضوعی

❖ روش تفسیر موضوعی پیام قرآن

مراحل و روش تفسیر موضوعی به کار رفته در کتاب پیام قرآن طبق بیان مؤلف

آن عبارت است از:

۱. گردآوری تمام آیات مرتبط با یک موضوع در سرتاسر قرآن
۲. تفسیر یک یک آیات
۳. کشف ارتباط آیات با یکدیگر و جمع‌بندی از محتوای مجموع آنها (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۰).

❖ مراحل انجام تفسیر موضوعی از منظر آیت الله مصباح یزدی:

۱. انتخاب موضوع یا مسئله
۲. تحدید مفهومی موضوع یا مسئله
۳. استخراج و گردآوری آیات مرتبط با موضوع یا مسئله
۴. تعیین حدود دلالت آیات
۵. تعیین نوع ارتباط آیه با موضوع
۶. دسته‌بندی منطقی ریز موضوعات
۷. تفسیر هریک از آیات گردآوری شده (رجبی، ۱۳۸۸، صص ۱۱-۱۶).

❖ مراحل تفسیر موضوعی طبق کتاب پژوهشی در تفسیر موضوعی:

۱. انتخاب عنوان موضوع قرآنی
۲. گردآوری آیات قرآنی پیرامون این موضوع
۳. دسته‌بندی آیات
۴. بررسی کامل تفسیر این آیات با رجوع به کتاب‌های تفسیر ترتیبی
۵. استنباط عناصر و درون‌مایه‌های بنیادین موضوع بر پایه رهنمودها و سودهی‌های قرآنی
۶. ارائه فهم‌های خود به سایر آیات و روایات
۷. فصل‌بندی مطالب استنباط شده و استخراج عنصر بنیادین و کلی موضوع (خاتون قدمی، ۱۳۹۲).

لازم به ذکر است که «به صورت کلی در مورد روش پژوهش موضوعی قرآن کریم - اعم از تدبر موضوعی و تفسیر موضوعی - بر خلاف تفسیر ترتیبی که مشتمل بر چند روش تفسیری می‌باشد و مفسران ترتیبی به حسب علاقه و ذوق خویش وارد آن شده و به زعم خویش آن را تفسیر کرده‌اند، در روش موضوعی که سعی مفسران بر دریافت سخن قرآنی و پاسخگویی به مسائل از طریق قرآن می‌باشد، تنها یک راه در فهم و یافتن جواب سؤال وجود دارد تا بحث موضوعی از دیدگاه قرآن ارائه شود و مانند روش تفسیر قرآن به قرآن یک روش بیشتر نیست (یدالله پور، ۱۳۸۳، ص ۳۱).

بنابراین، همان گونه که گذشت، محورهای اصلی تدبر موضوعی و تفسیر موضوعی در میدان عمل، تقریباً یکسان است. با این تفاوت که در انجام تفسیر موضوعی، تفسیر هریک از آیات گردآوری شده یا مراجعه به تفاسیر ترتیبی، یکی از مراحل اصلی را شامل می‌شود در حالی که این مرحله در فرآیند تدبر موضوعی جزء مراحل اصلی لحاظ نمی‌شود. از این رو موارد ذیل را می‌توان به عنوان محورهای اصلی و مشترک در شیوه‌های تدبر موضوعی و تفسیر موضوعی مشاهده نمود:

- ✓ گام نخست: انتخاب موضوع
- ✓ گام دوم: استخراج و گردآوری آیات مرتبط با موضوع
- ✓ گام سوم: دسته‌بندی، تفکیک و ترتیب آیات
- ✓ گام چهارم: فهم نفسی آیات
- ✓ گام پنجم: فهم مجموعی و استنباط کلی
- ✓ گام ششم: تدوین، نگارش و استخراج دیدگاه قرآنی.

پیش‌تر ثابت گردید، بین تدبر و تفسیر رابطه عموم و خصوص برقرار است؛ با توجه به مطلق در نظر گرفتن مفهوم تدبر - در این پژوهش - ارتباط عموم و خصوص بین تدبر موضوعی و تفسیر موضوعی نیز برقرار می‌باشد. از این رو تفسیر موضوعی قرآن کریم یکی از مراتب تخصصی تدبر موضوعی می‌باشد. به عبارت دیگر، اگر در تدبر موضوعی از کلیدها و ابزارهای تخصصی ویژه علم تفسیر بهره گرفته شود، موجب

می شود تدبر موضوعی به مرحله ای تخصصی تر و عالی تر ارتقا یابد که در واقع همان تفسیر موضوعی است.

۴-۸. تأویل

واژه تأویل ۱۷ بار در قرآن ذکر شده است؛ در ۱۵ آیه و ۷ سوره. ۱۲ بار آن در مورد غیر قرآن و ۵ بار آن در مورد قرآن می باشد. تأویل قرآن، مقوله ای است که درباره آن اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد و شاید بتوان گفت تعریف جامع و مانعی که مورد قبول همه دانشمندان باشد ارائه نشده است. «تأویل از ریشه "أول" به معنای "رجوع به اصل" می باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۹). بسیاری از قدما تأویل را مترادف با تفسیر می دانستند، اما متأخرین تأویل را به بردن لفظ در معنایی غیر از معنای ظاهریش معنا می کنند و این دو با هم تفاوت آشکاری دارد (شاکر، ۱۳۷۶، ص ۲۳؛ رجبی، ۱۳۸۳، ص ۱۹) مجموع معانی این واژه را در سه دسته ذیل قرار داده است:

- ❖ بازگرداندن چیزی به هدف آن یا سخنی به مقصود و مراد از آن.
- ❖ تفسیر و بیان مقصود و مراد پنهان از یک شیء یا سخن
- ❖ حقیقت یا معنایی که شیء یا کلام به آن باز می گردد.

در تحقیقی که در این رابطه انجام شده، محقق پس از بررسی آرا و دیدگاه های مختلف، در یک جمع بندی کلی، پنج مرتبه برای تأویل ذکر کرده است. وی خلاصه نتایج تحقیق خود را در جدول ذیل به نام شاخصه های تأویل، ارائه نموده است (محمدی فام، ۱۳۹۰، ص ۷۸).

ردیف	مراتب تأویل	تعریف	شاخص های به دست آمده	آگاهان به تأویل
۱	مرتب اول: حقیقت خارج آیه	حقایقی خارج آیه، فراتر از آنکه در حیطه الفاظ در آید/ حقیقتی که در بطن آیه باشد ولی بطن شیء وجود دارد ولی از سنخ معنا نیست	از سنخ مفهوم نباشد/ حقیقتی خارج آیه باشد/ در بطن آیه باشد ولی معنای باطنی نباشد	فقط خداوند بالاستقلال و الاصل / معصومین <small>علیهم السلام</small> بالتبعیه و الاعطاء

ردیف	مراتب تأویل	تعریف	شاخص‌های به‌دست آمده	آگاهان به تأویل
۲	مرتبۀ دوم: معنای باطنی آیه	معنایی که از الفاظ آیه به دست نمی‌آید و فراتر از ظاهر آیه ولی از سنخ معنا و مفهوم مخفی	از لفظ به دست نیاید/ آیه باشد/ معنایی باطنی الهی	خداوند و راسخان در علم به عطای
۳	مرتبۀ سوم: مصادیق پنهان آیه	مصادیق باطنی آیه که از ظاهر آیه به دست نمی‌آید و مصادیق پنهان و دور از ذهن بشر	مصادیق باشد/ کشف آن آیه ممکن نباشد	خداوند و راسخان در علم به عطای الهی
۴	مرتبۀ چهارم: لوازم غیر بین آیه	لوازم غیر بین معنای آیه	لازمه معنای آیه باشد/ کشف آن از ظاهر آیه ممکن نباشد	خداوند و راسخان در علم به عطای الهی
۵	مرتبۀ پنجم: مفهوم عام آیه	انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه که دارای ضابطه و ملاک است	مفهومی عام و گسترده برگرفته از ظاهر آیه / ضوابط مطابق با ضوابط مطروحه	همگان، با رعایت ضوابط

در جدول فوق، می‌توان مراتب تأویل را بر اساس ستون آخر - آگاهان به تأویل - در دو دسته کلی قرار داد:

دسته اول (مرتبۀ اول تا چهارم): تأویل به معنای حقیقت خارج آیه، معنای باطنی آیه، مصادیق پنهان آیه، لوازم غیر بین آیه؛ آگاهی به آن مختص خداوند است و خداوند علم آن را به راسخان در علم نیز اعطا نموده است،

دسته دوم (مرتبۀ پنجم): تأویل به معنای انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه که دارای ضابطه و ملاک است. همگان با رعایت ضوابط می‌توانند از آن آگاه شوند.

گروه کثیری از عالمان، مفهوم تأویل را همان باطن آیات قرآن ذکر کرده‌اند (صفر، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۶؛ آلوسی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۸؛ معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۴؛ زمانی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۷).

دکتر میرباقری ضمن تقسیم‌بندی باطن قرآن - از جهت دسترسی - رابطه آن با تدبر را نیز تبیین نموده است. در صورت یکسان در نظر گرفتن مفهوم تأویل قرآن با باطن آن، در تقسیم‌بندی مذکور می‌توان به جای لفظ باطن، کلمه تأویل قرار داد؛ در آن صورت با توجه به موارد ذکر شده و تقسیم‌بندی اخیر، تأویل آیات الهی را می‌توان در دو دسته ذیل قرار داد:

الف) باطن (تأویل) = معنایی که الفاظ بدان دلالت دارند ولی نه با نگاه اول بلکه پس از غور و تأمل و تدبر و با در نظر گرفتن آرایه‌های ادبی هم چون استعاره و تمثیل و ...
 ب) باطن (تأویل) = معنایی که از مسیر دلالت لفظ - نه با نگاه اول و نه پس از تدبر و تأمل - راهی بدان نباشد، بلکه معنایی سزوی و پشت پرده است که لفظ به نوعی با آن مرتبط است، ولی آن ارتباط هم به گونه‌ای نیست که بتوان با نظری قطعی آن را دریافت و بازگو نمود؛ بلکه درک آن نیازمند به اطلاعات جانبی است که آن خود نیز از رموز عالم غیب است.

۹-۴. رابطه تدبر با تأویل

با توجه به موارد فوق، تأویل بخشی از قرآن در انحصار خداوند و راسخان در علم است. بنابر این، همگان هر قدر در قرآن تدبر نمایند و به هر اندازه از طهارت برخوردار باشند، ص لاحیت دسترسی به این مرتبه را ندارند لذا، برای بهره‌مندی از معارف این جایگاه، چاره‌ای جز مراجعه به معصومان علیهم‌السلام نیست.

اما دسترسی به قسم دیگر تأویل قرآن برای غیر معصوم ممکن است؛ یعنی عموم مردم می‌توانند با کسب مقدمات لازم و رعایت ضوابط و شرایط، در این مرتبه تدبر نمایند و متناسب با تلاش فکری و طهارت روحی و صفای باطنی خود از معارف این قسمت بهره‌مند شوند.

۱۰-۴. رابطه تفسیر با تأویل

حال که تعریف تفسیر و تأویل بیان شد، به جاست ارتباط میان آنها نیز مورد بررسی

قرار گیرد و وجوه اشتراک و افتراق بین این دو فن آشکار گردد. به همین منظور برخی از دیدگاه‌های صاحب‌نظران ارائه می‌گردد. محققان در این خصوص نظر واحدی ندارند و سه نوع رابطه بین تفسیر و تأویل در نظر گرفته‌اند:

❖ مترادف: متقدمان تأویل را به معنای تفسیر کلام و بیان مفهوم آن در نظر می‌گرفتند، چه موافق ظاهر کلام باشد یا مخالف آن؛ پس تأویل و تفسیر نزد آنها نزدیک به هم یا مترادف بود (الاوسی و میرجلیلی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۸؛ شاکر، ۱۳۷۶، ص ۳۰؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ص ۱؛ ایرانی قمی، ۱۳۷۱، ص ۸۸).

❖ عموم و خصوص:

✓ رابطه تأویل و تفسیر از نظر نسب اربعه منطقی، رابطه عموم و خصوص مطلق است؛^۱ برخی تأویل را عام و تفسیر را خاص دانسته‌اند (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۹؛ شاکر، ۱۳۷۶، صص ۸۰-۸۱).

✓ برخی نیز ضمن اعتقاد به وجود رابطه عام و خاص مطلق بین تفسیر و تأویل، تفسیر را عام و تأویل را خاص می‌دانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲؛ العلاف، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۳).

❖ تباین: گروهی از اندیشمندان بین معنای این دو واژه قایل به تفاوت و نوعی رابطه تقابلی هستند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳، ص ۱۳۳؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۲۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۸؛ ابوالفتح رازی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۷۹؛ شاکر، ۱۳۷۶، ص ۳۸؛ ابن تیمیه، ۲۰۱۰، صص ۲۱-۲۳).

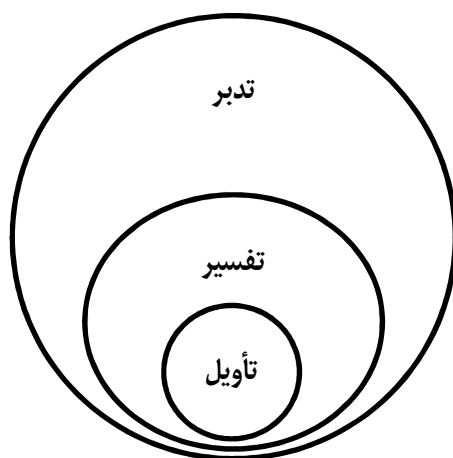
۴-۱۱. رابطه بین تدبر، تفسیر و تأویل از جهت امکان دسترسی

صرف نظر از معنای این سه واژه، آنچه که به هدف این تحقیق مربوط می‌شود، تبیین رابطه فنون مذکور با یکدیگر از حیث حیطة وظیفه مردم نسبت به قرآن است. تدبر وظیفه‌ای عام و همگانی است تا جایی که خداوند این مهم را نه تنها از مسلمانان، بلکه از

۱. بین دو مفهوم کلی، یکی از این چهار رابطه برقرار است که به آن نسب اربعه گفته‌اند: تساوی، تباین، عموم و خصوص مطلق و عموم و خصوص من وجه.

کفار و منافقان نیز طلب نموده است (نساء، ۸۲). اما تفسیر قرآن اختصاص به گروه خاصی از عالمان دارد. لازمهٔ نیل به این مرحله از تدبر در قرآن، کسب مقدمات و تحصیل علوم و فنون مورد نیاز برای تفسیر است. مفسران قادرند با تدبر در سطحی تخصصی تر و بالاتر، در اعماق بیشتری از دریای عمیق و بی پایان بحر قرآن غواصی کنند و مرواریدهای افزون تری صید نمایند. لذا تفسیر، مرحله‌ای تخصصی از تدبر عمومی قرآن محسوب می‌شود.

«آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام تصریح دارند که علم به تأویل قرآن انحصاری است و دست یابی به برخی مراتب باطن قرآن دور از دسترس غیر معصوم است و به خداوند متعال و راسخان در علم اختصاص دارد؛ لذا همگان هر قدر تلاش و کوشش نمایند نمی‌توانند در این وادی گام نهند» (میرباقری، ۱۳۸۵، ص ۲۹۲). از این رو تدبر نمودن غیر معصوم در این عرصه ثمری برای وی نخواهد داشت. بنابراین با توجه به ذومراتب بودن مفاهیم و مضامین قرآن کریم، تدبر در قرآن نیز دارای مراتب و درجاتی است؛ تدبر عمومی، تدبر تخصصی و تدبر انحصاری. لذا می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که بین این سه واژه - از نظر وظیفهٔ مردم نسبت به قرآن کریم - رابطهٔ عموم و خصوص و اخص برقرار است. نمودار ذیل بیانگر رابطه تدبر، تفسیر و تأویل است.



۵. تدبیر ترتیبی مقدمه تدبیر موضوعی

پس تفسیر موضوعی مرحله‌ای تخصصی از تدبیر است. با این نگاه در ذیل، هر جا سخن از تفسیر موضوعی رفته مقصود همان مرحله تخصصی تدبیر در قرآن است. لازمه تدبیر موضوعی صحیح، فهم درست و استخراج پیام‌های تک تک آیاتی است که پیرامون یک موضوع در یک دسته قرار دارد. لذا تدبیر موضوعی ناگزیر از بهره‌جستن از یافته‌های تدبیر ترتیبی است. در همین رابطه چند مورد از دیدگاه‌های صاحب‌نظران ارائه می‌شود:

«اگر ترکیب و تلفیق فهم‌ها و مدالیل آیات مربوط به یک موضوع، اساس تفسیر موضوعی است، فهم مدلول یکایک آیات، عین تفسیر ترتیبی است یعنی تفسیر موضوعی دقیقاً بر مائده تفسیر ترتیبی می‌نشیند و از نعیم او بهره می‌جوید. بدین لحاظ، استغنا از تفسیر ترتیبی معنا و مفهوم محصلی ندارد و تفسیر موضوعی گام دومی است که مفسرین پس از برداشتن گام اول (یعنی تفسیر ترتیبی) پیش می‌نهند» (جلیلی، ۱۳۷۲، ص ۴۹).

«به طور طبیعی رویکرد موضوع محور نیازمند معناشناسی مدلول‌های تفکیک شده هر یک از آیاتی است که در چارچوب پژوهش خود، مورد بررسی قرار می‌دهد» (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۳۴). «تفسیر موضوع محور، در این میدان، بهترین رویکرد تفسیری است؛ اما نباید گمان شود که این سخن به معنای بی‌نیازی از تفسیر جزئی نگر است. این برتری به معنای جایگزینی یک رویکرد با رویکرد دیگر یا کنار گذاشتن کلی شیوه جزئی نگر و بسنده کردن به شیوه موضوع محور نیست» (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۵۶).

«تدبیر موضوعی در توضیح مفاهیم لفظی و مدلولات جزئی، و زوایای تفصیلی فرعی به تدبیر ترتیبی نیاز دارد تا تدبیر موضوعی بر مبنای ساختاری مناسب، دیدگاه مناسبی از موضوع مورد بحث ارائه دهد، بنابراین گاهی تدبیر ترتیبی به عنوان بذرهایی در نظر گرفته می‌شود که تدبیر کننده از طریق آن به دیدگاهی یکپارچه و خالص از مسائل دست می‌یابد» (آل‌موسی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۰۳).

نتیجه‌گیری

برای دستیابی به دیدگاه قرآن پیرامون هر موضوع، دیدن یک یا دو آیه به تنهایی کفایت نمی‌کند؛ لازمه تحقق این مهم، نگرش جامع به تمام آیات هم‌مضمون است. لذا استخراج نظر قرآن از طریق پژوهش‌های موضوعی ممکن است. مفسران بین دو اصطلاح تفسیر موضوعی و تدبر موضوعی حدّ و مرزی قایل نشده و این دو فن را به صورت مترادف و توأمان استعمال نموده‌اند. با توجه به ذومراتب بودن مفاهیم قرآن، تدبر در آن - اعم از ترتیبی یا موضوعی - نیز دارای درجاتی است؛ تدبر عمومی، تدبر تخصصی (تفسیر) و تدبر انحصاری (تأویل). بین سه اصطلاح تدبر، تفسیر و تأویل، رابطه عموم و خصوص و اخص برقرار است. پایین‌ترین سطح تدبر، تدبر همگانی در قرآن است. بهره‌گرفتن از کلیدهای تخصصی ویژه علم تفسیر، موجب ارتقاء تدبر به مرحله تدبر تخصصی (تفسیر) می‌گردد. با توجه به این که تأویل حقیقت و باطن کلام الهی در انحصار خداوند و معصومان علیهم‌السلام است، لذا تدبر غیر معصوم در این محدوده هیچ ثمری نخواهد داشت. از این رو تنها راه دسترسی عموم به گوهرهای این مرتبه از فهم قرآن، اتصال به آن ذوات نورانی است. لازمه تدبر موضوعی، استخراج صحیح پیام‌های تک تک آیات هم‌مضمون است. به همین دلیل، تدبر ترتیبی پیش‌نیاز تدبر موضوعی محسوب می‌گردد.

فهرست منابع

۱. آل موسی، علی. (۱۴۳۰ق). التدبر الموضوعی فی القرآن الکریم. بیروت: دار کمیل للطباعة و النشر.
۲. آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳. آملی، سیدحیدر. (۱۴۲۲ق). تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم (چاپ سوم). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال (مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ اول). قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن تیمیة حرانی ابوالعباس، احمد بن عبدالحلیم. (۲۰۱۰م). الإکلیل فی المتشابه و التأویل (محقق: محمد الشیمی شحاتة). الإسکندریة: دار الإیمان للطبع و النشر و التوزیع.
۶. ابن منظور محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۳۷۲). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: آستان قدس رضوی.
۸. احمد بن فارس، ابوالحسین. (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار الفکر.
۹. اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر. (۱۳۷۵). تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. الاوسی، علی؛ میرجلیلی، سیدحسین. (۱۳۸۱). روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (چاپ اول). تهران: چاپ و نشر بین الملل.
۱۱. الهی زاده، محمدحسین. (۱۳۹۳). درسنامه تدبر موضوعی قرآن. مشهد: انتشارات مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره.
۱۲. ایرانی قمی، اکبر. (۱۳۷۱). روش شیخ طوسی در تفسیر تبيان (چاپ اول). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. بغدادی، علاءالدین علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). لباب التأویل فی معانی التنزیل (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (چاپ اول). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. جلیلی، سیده‌دایت. (۱۳۷۲). روش‌شناسی تفاسیر موضوعی قرآن. تهران: انتشارات کویر.
۱۶. حجازی، محمد محمود. (۱۴۱۳ق). التفسیر الواضح (چاپ دهم). بیروت: دار الجلیل الجدید.
۱۷. حسکانی، عبیدالله بن احمد. (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل (محقق: محمد باقر محمودی، چاپ اول). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۱۸. حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس (چاپ اول). بیروت: دار الفکر.
۱۹. حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۳ق). تبیین القرآن (چاپ دوم). بیروت: دار العلوم.
۲۰. حکیم، سید محمد باقر. (۱۴۱۷ق). علوم قرآن (چاپ سوم). قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۲۱. خاتون قدمی، هاجر. (۱۳۹۲). تأملی در کتاب پژوهشی در تفسیر موضوعی. مجله ماه دین. (۱۸۹)، صص ۷۳-۷۹.
۲۲. راد، علی؛ حسن زاده گلشانی، مسعود. (۱۳۹۲). روش‌شناسی تفسیر موضوعی در روایات اهل بیت علیهم‌السلام. نیم‌سال‌نامه ثقلین اهل بیت علیهم‌السلام، ۲(۱)، صص ۳۲-۵۱.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن (چاپ اول). دمشق - بیروت: دار العلم الدار الشامیه.
۲۴. رجبی، محمود. (۱۳۸۸). تفسیر موضوعی از منظر استاد محمد تقی مصباح. قرآن‌شناخت، ۲(۴).
۲۵. رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۹۰). منطق تفسیر قرآن ۱ (چاپ چهارم). قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۶. زرکشی، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دار المعرفه.
۲۷. زمانی، محمد حسن. (۱۳۸۷). مستشرقان و قرآن (چاپ دوم). قم: بوستان کتاب.
۲۸. زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (چاپ سوم). بیروت: دار الکتاب العربی.
۲۹. سعیدی روشن، محمد باقر. (۱۳۸۳). تحلیل زبان قرآن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی / قم: مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.

۳۰. سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۱ق). الإلتقان فی علوم القرآن (چاپ دوم). بیروت: دار الكتاب العربی.
۳۱. شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۲). مبانی و روش های تفسیری. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۳۲. صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۹ق). البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن (چاپ اول). قم: مؤلف.
۳۳. صدر، سید محمد باقر. (۱۴۳۴ق). المدرسة القرآنیة. قم: دار الكتاب الاسلامی.
۳۴. صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم (چاپ دوم). قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). مکارم الأخلاق. قم: شریف رضی.
۳۷. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرين (چاپ سوم). تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۳۸. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۷۶). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: انتشارات اسماعیلیان.
۴۰. عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة (چاپ اول). بیروت: دار الآفاق الجدیده.
۴۱. العلاف، ادیب. (۱۴۲۲ق). البیان فی علوم القرآن. دمشق: مکتبه الفارابی.
۴۲. علوی نژاد، سیدحیدر. (۱۳۸۵). ظاهر و باطن قرآن در گستره روایات. مجله پژوهش های قرآنی، ۵(۵ و ۶)، صص ۱۳۸-۱۷۱.
۴۳. العیص، زید عمر عبدالله. (۱۴۲۶ق). التفسیر الموضوعی: التأصیل و التمثیل. الرياض: مکتبه الرشد.
۴۴. فیومی، احمد بن احمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر (چاپ دوم). قم: دار الهجرة.
۴۵. گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ق). تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة (چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۶. لسانی فشارکی، محمد علی؛ مرادی زنجانی، حسین. (۱۳۹۶). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم (چاپ چهارم). قم: بوستان کتاب.

۴۷. لک‌زایی، علی‌رضا. (۱۳۹۱). نقد و بررسی روش‌های تدبر در قرآن با تأکید بر روش‌های محمدحسین الهی‌زاده و ولی‌الله نقی‌پورفر. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران، رشته تفسیر قرآن.
۴۸. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۹. محمدی فام، فریدون. (۱۳۹۰). نقد و بررسی شاخصه‌های تفسیر، تأویل و تطبیق. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران، رشته تفسیر.
۵۰. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۱. معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹). تفسیر و مفسران. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). پیام قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۳. میرباقری، محسن. (۱۳۸۵). ظاهر قرآن باطن قرآن (چاپ اول). تهران: محمد.
۵۴. نقی‌پورفر، ولی‌الله. (۱۳۸۷). پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن. تهران: اسوه.
۵۵. یدالله‌پور، بهروز. (۱۳۸۳). مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن. قم: دارالعلم.

References

1. Abolfotuh Razi, H. (1372 AP). *Rawd al-Jannan va Ruh al-Jannan fi Tafsir al-Qur'an*. Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Persian]
2. Ahmad Ibn Fars, A. (1399 AH). *Mojam Maqa'ees al-Loqah*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
3. Al-Ais, Z. (1426 AH). *al-Tafsir al-Mawzu'ei: al-Ta'asil va al-Tamthil*. Riyadh: Maktabah al-Roshd. [In Arabic]
4. Al-Alaf, A. (1422 AH). *al-Bayan fi Olum al-Qur'an*. Damascus: Al-Farabi School. [In Arabic]
5. Alavi Nejad, S. H. (1385 AP). The appearance and interior of the Qur'an in the range of narrations. *Journal of Quranic Studies*, 2(5 and 6). Pp. 138-171. [In Persian]
6. Ale Musa, A. (1430 AH). *Subjective thinking in the Holy Quran*. Beirut: Dar Komeil le al-Taba'ah va al-Nashr. [In Persian]
7. Alusi, A., & Mirjalili, S. H. (1381 AP). *Allameh Tabatabai's method in Tafsir Al-Mizan* (1st ed.). Tehran: International Publishing. [In Persian]
8. Alusi, S. M. (1415 AH). *Rouh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim*. (1st ed.). Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah. [In Arabic]
9. Amoli, S. H. (1422 AH). *Tafsir al-Mohit al-A'azam va al-Bahr al-Khazm*. (3rd ed.). Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance. [In Arabic]
10. Arousi Howeizi, A. (1415 AH). *Interpretation of Noor al-Thaqalin*. Qom: Ismailian Publications. [In Arabic]
11. Askari, H. (1400 AH). *al-Forough fi al-Loqah*. (1st ed.). Beirut: Dar Al-Afaq Al-Jadeedah. [In Arabic]
12. Baghdadi, A. (1415 AH). *Labab al-Tawil fi al-Ma'ani Al-Tanzil*. (1st ed.). Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah. [In Arabic]

13. Beizawi, A. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil va Asrar al-Ta'awil*. (1st ed.). Beirut: Dar Al-Ihya Al-Torath Al-Arabi. [In Arabic]
14. Elahizadeh, M. H. (1393 AP). *Textbook of thematic contemplation of the Quran*. Mashhad: Publications of the Cultural Institute of Contemplation in the Quran and Sira. [In Persian]
15. Esfarayeni, A. (1375 AP). *Taj al-Tarajem fi Tafsis al-Qur'an le al-A'ajim*. Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
16. Fayumi, A. (1414 AH). *Al-Misbah Al-Munir Fi Gharib Al-Sharh Al-Kabir*. (2nd ed.). Qom: Dar Al-Hijra. [In Arabic]
17. Gonabadi, S. (1408 AH). *Tafsis Bayan al-Sa'adah fi Maqamat al-Ibadah*. (2nd ed.). Beirut: Press Institute for Publications. [In Arabic]
18. Hakim, S. M. B. (1417 AH). *Quranic Sciences*. (3rd ed.). Qom: Islamic Thought Association. [In Arabic]
19. Haskani, O. (1411 AH). *Shawahid al-Tanzil le Qava'id al-Tafzil*. (M. B. Mahmoudi, Ed.). (1st ed.). Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance. [In Arabic]
20. Hejazi, M. M. (1413 AH). *Al-Tafsis al-Wazih*. (10th ed.). Beirut: Dar Al-Jalil Al-Jadeed. [In Arabic]
21. Hosseini Shirazi, S. M. (1423 AH). *Tabeen al-Qur'an*. (2nd ed.). Beirut: Dar Al-Ulum. [In Arabic]
22. Hosseini Zubeidi, M. M. (1414 AH). *Taj al-Arous min Jawahir al-Qamous*. (1st ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
23. Ibn Babewei, M. (1362). *Al-Khasal* (A. A. Ghaffari, Ed.). (1st ed.). Qom: Teachers Association. [In Persian]
24. Ibn Manzour M. (1414 AH). *Lisan al-Arab*. (3rd ed.). Beirut: Dar Sader. [In Arabic]

25. Ibn Taymiyyah Harrani Abu al-Abbas, A. (2010). *al-Aklil fī al-Motashabah va al-Ta'avil*. (M. Shahata, Ed.). Al-Eskandariah: Dar AL-Iman le Tabā' va al-Nashr va al-Tawzi'.
26. Irani Qomi, A. (1371 AP). *Sheikh Tusi's method in Tafsir Tebyan*. (1st ed.). Tehran: Islamic Propaganda Organization. [In Persian]
27. Jalili, S. H. (1372 AP). *Methodology of thematic interpretations of the Qur'an*. Tehran: Kavir Publications. [In Persian]
28. Khatoon Iqdami, H. (1392 AP). Reflection on a research book on thematic interpretation. *Journal of Mah-e-Din*. [In Persian]
29. Lakzaei, A. R. (1391 AP). *Critique of the methods of contemplation in the Qur'an with emphasis on the methods of Mohammad Hussein Elahizadeh and Waliullah Naqipourfar*. Master Thesis, Holy Quran University of Science and Education, Tehran Faculty of Quranic Sciences and Technologies, Quran Interpretation. [In Arabic]
30. Lisani Fesharaki, M. A., & Moradi Zanjani, H. (1396 AP). *Thematic research method in the Holy Quran*. (4th ed.). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
31. Ma'arifat, M. H. (1379 AP). *Interpretation and Interpreters*. Qom: Al-Tamhid Cultural Institute. [In Persian]
32. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*. (2nd ed.). Beirut: Dar Al-Ihya Al-Torath Al-Arabi. [In Arabic]
33. Makarem Shirazi, N. (1377 AP). *The message of the Quran*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
34. Mirbagheri, M. (1385 AP). *The appearance of the Qur'an inside the Qur'an* (1st ed.). Tehran: Mohammad. [In Persian]
35. Mohammadi fam, F. (1390 AP). *Critique of the characteristics of interpretation, commentary and adaptation*. Master Thesis, Holy Quran

University of Science and Education, Tehran Faculty of Quranic Sciences and Technologies, Interpretation. [In Persian]

36. Mustafavi, H. (1368 AP). *al-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
37. Naqipour, V. (1387 AP). *Research on contemplation in the Qur'an*. Tehran: Oswa. [In Persian]
38. Rad, A., & Hassanzadeh Golshani, M. (1392 AP). Methodology of thematic interpretation in the narrations of Ahl al-Bayt. *Journal of Saqalin Ahl al-Bayt*, (2). [In Persian]
39. Ragheb Isfahani, H. (1412 AH). *Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran* (1st ed.). Damascus - Beirut: Dar Al-Alam Al-Dar Al-Shamiya. [In Arabic]
40. Rajabi, M. (1388 AP). *Thematic interpretation from the perspective of Professor Mohammad Taghi Mesbah*. Quranology, No. 4. [In Persian]
41. Rezaei Isfahani, M. A. (1387 AP). *The Logic of Quran Interpretation 2* (3rd ed.). Qom: Mustafa International University. [In Persian]
42. Rezaei Isfahani, M. A. (1390 AP). *The Logic of Quran Interpretation 1*. (4th ed.). Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. [In Persian]
43. Sadeghi Tehrani, M. (1419 AH). *al-Balagh fi Tafsir al-Qur'an be al-Qur'an*. (1st ed.). Qom: Mu'alif. [In Arabic]
44. Sadr, S. M. B. (1434 AH). *Quranic school*. Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]
45. Saeedi Roshan, M. B. (1383 AP). *Analysis of the language of the Quran*. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought / qom: Seminary and University Research Institute. [In Persian]
46. Saffar, M. (1404 AH). *Basa'ir al-Darajat fi Faza'il Ale Mohammad*. (2nd ed.). Qom: Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi School. [In Arabic]

۱۳۵

مُطالعات قرآنی

ماهیت تدبر موضوعی در قرآن

47. Shakir, M. (1382 AP). *Fundamentals and methods of interpretation*. Qom: World Center of Islamic Sciences. [In Persian]
48. Soyouti, J. (1421 AH). *Al-Itqan fi Olum al-Qur'an*. (2nd ed.). Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. [In Arabic]
49. Tabarsi, H. (1370 AP). *Makarem Al-Akhlaq*. Qom: Sharif Razi. [In Persian]
50. Tabatabaei, M. H. (1417 AH). *al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. (5th ed.). Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
51. Tarihi, F. (1375 AP). *Majma' al-Bahrain*. (3rd ed.). Tehran: Mortazavi Bookstore. [In Persian]
52. Tusi, M. (1376 AP). *al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Torath Al-Arabi. [In Persian]
53. Yadollahpour, B. (1383 AP). *Fundamentals and historical course of thematic interpretation of the Qur'an*. Qom: Dar Al-Ilam. [In Persian]
54. Zamakhshari, M. (1407 AH). *al-Kashaf an Haqa'eq Qavamiz al-Tanzil*. (third edition). [In Arabic] Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. [In Arabic]
55. Zamani, M. H. (1387 AP). *Orientalists and the Quran*. (2nd ed.). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
56. Zarfashi, M. (1410 AH). *al-Borhan fi Olum al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Maarefa. [In Arabic]